

## تاملی در هدف خلقت انسان از دیدگاه قرآن

فضیله امیربیک تفتی

کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه آزاد واحد نجف آباد، اصفهان، ایران.

[f.beiki.t@gmail.com](mailto:f.beiki.t@gmail.com)

### چکیده

هدف از آفرینش انسان چیست؟ سوالیست که در طول سالیان و توسط تعداد زیادی از اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ های گوناگونی نیز به این سوال داده شده است. در گذر این سال ها هر بار پاسخ ها عمیق تر و کامل تر شده اند. واضح است که پاسخ به این سوال، زندگی را برای انسان معنادار میکند و او را از پوچی و پوچگرایی می رها کند. در این مقال، در پی طرح مسئله به دنبال آن هستیم تا از میان آیات قرآنی به این سوال پاسخ دهیم و هدف برتر و نهایی را بیابیم.

کلمات کلیدی: انسان، هدف، خلقت .

### 1. مقدمه

در ابتدای بحث خلقت، لازم است اشاره کنیم بر حسب فرض عقلی، موجوداتی که توسط خدا خلق می شوند، یا واجد تمام کمالات هستند (مجرد تام)، که دیگر نیازی به رشد و کمال ندارند، در حالیکه استعداد و توانایی شکوفا شدن را ندارند و همه فعلیت محضند و قطعاً پرسیده می شود که چرا چنین موجوداتی آفریده شده اند؟ در جواب باید گفت: هدف آفرینش چنین موجوداتی چیزی جز همان وجودشان نیست. و نمی توان برای آن ها کمال دیگری در نظر گرفت .

و یا در حالت دیگر از خلقت، اگر موجودی که خدا میافریند مادی باشد، پیداست که در آفرینش این موجود، هدفی غیر از اصل وجود دارد. لذا حتماً باید چنین موجودی از ماده خلق شود تا خاصیت تکامل و رشد داشته باشد. پس اراده خداوند بر این قرار گرفته است موجودی دارای اراده بیافریند که بر سر دو راهی قرار بگیرد و بتواند راهی را انتخاب و اختیار کند. همین انتخاب و اصل اختیار است که قدرت شکوفا شدن و تکامل را در جهت به فعلیت رساندنش به این نوع از خلقت می دهد.

چنان که گفتیم این موجود مادی در عالم ماده خلق می شود (در ظرف تغییر و تحول) تا ازین طریق استعدادهايش از قوه به فعل درآیند و تکامل یابد.

" پس جهان مادی مقدمه ای است برای آفرینش انسان. انسان باید برای انتخابش سر دو راهی قرار بگیرد و آلا به کمالی که باید از راه انتخاب برسد نمی رسد. پس صحیح است که بگوییم خلقت جهان مقدمه ای است برای خلقت انسان و انسان را آفریدیم تا سر دو راهی قرار بگیرد و امتحان پس دهد. پس نتیجه این می شود که آفرینش جهان برای آزمایش انسان بوده است."<sup>1</sup>

<sup>1</sup> محمدتقی مصباح یزدی، 1367، صفحه 168.

## 2. هدف خلقت انسان

مسئله خلقت انسان و هدف از خلقت او، در میان تمام آفریده ها، دارای چنان اهمیتی است که قرآن توجه ما را نسبت به آن، به اندازه توجه نسبت به خدا یا همان خالق، جلب می کند.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ  
فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ<sup>1</sup>

"همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار." در این آیه به هدفداری خلقت جهان و انسان اشاره شده است. کلمه باطل به معنای هر چیزی است که در آن هدف و غرضی معقول نباشد.<sup>2</sup>

و همین طور در آیه 16 سوره انبیا می فرماید:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ

"و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم."

اندیشمندان بعد از نفی باطل از عالم خلقت، برایشان واضح می شود که انسان برای جزا، دوباره در عالم دیگری برانگیخته می شود، چرا که مسئله خلقت بدون حشر باطل خواهد بود. در این آیات علاوه بر بیان حجت بر ثبوت معاد، اشاره می شود: "که اگر از رسم عبودیت تجاوز کنند، بر طبق آنچه حکمت الهی اقتضا میکند، مواخذه می شوند."<sup>3</sup> در ادامه به ذکر اهداف خلقت انسان، با توجه به آیات قرآن می پردازیم:

### 2-1- عبادت

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ<sup>4</sup>

"و من جن و انس را نیافریدم مگر آنکه مرا عبادت کنند."

بنابر آیه فوق، هدف از خلقت انسان، عبادت است. عبادت در لغت به معنای ستایش و پرستش و بندگی و فرمان برداری آمده است.<sup>5</sup>

<sup>1</sup>. آل عمران ، آیه 191.

<sup>2</sup>. محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 4، صفحه 138.

<sup>3</sup>. محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 14، صفحه 364.

<sup>4</sup>. ذاریات، آیه 56.

<sup>5</sup>. علی اکبر نفیسی، بی تا، جلد 4، صفحه 2298.

و همین طور آمده است: درباره خداوند دو جور عبادت داریم: یکی اطاعت از فرامین او و اینکه در زندگی روزمره راجع بحلال و حرام و غیره از دستورات خداوند و دین او پیروی کنیم، این عبادت به معنی طاعت و فرمانبری است و دیگری تذلی است توام با تقدیس یعنی بنده نهایت خضوع و ذلت را در برابر حق اظهار می دارد و در عین حال او را از تمام نقایص پاک و بتمام کمالات دارا می داند.<sup>۱</sup> بنظر می رسد که آیه فوق شامل عبادت در معنای اول است.

لازم به ذکر است که منظور از عبادت، نماز و دعا یا عمل خاصی نمی باشد و همه فعالیت های عبادی، اجتماعی، اقتصادی و ... انسان که دارای انگیزه الهی می باشند، عبادت است. و انسان در همه حال، چه ایستاده، چه خوابیده و چه نشسته، می تواند در جهت تقرب خدا گام بردارد. علامه محمدتقی جعفری معتقدند:

انسان که با عنوان «خلیفه الله» در روی زمین معرفی شده، می تواند همه حرکات و سکنتات خود را به عنوان «عبادت» و «پرستش» انجام دهد. بنابراین، کارگر و کارفرما در کارگاه، محصل و استاد در مراکز علم و دانش، نمازگزار و عابد در عبادتگاه همگی می توانند از کوچکترین حرکت عضوی و فکری خود تا بزرگترین فعالیت های عضوی و فکری را تحت پرستش عالی خداوند متعال در آورند، زیرا تنظیم زندگی مادی فردی و اجتماعی، از دستورات مورد تاکید خداوند است. اگر این دستور همراه با فرمانبرداری از خداوند متعال انجام شود، صورت عبودیت و پرستش به خود می گیرد، و چون انسان به سوی مادیات بیشتر جلب می شود. از این سلسله عباداتی به صورت محض و خالص با جنبه عبادی مانند نماز مقرر شده است تا وضع روانی او را تعدیل نموده، و از این که حرکات و سکنتات وی تنها عنوان سود پرستی به خود بگیرد، جلوگیری کند. پس چنان که می بینیم، مفهوم عبادت در دین اسلام، به حالت روانی شخصی در چارچوبه یک عده حرکات عضوی منحصر نمی شود.<sup>۲</sup>

این نوع بندگی و عبادت، همان طی کردن مراحل کمال است. که انسان به تصفیه و تزکیه درون پرداخته و با انتخاب ها و گزینش های خویش، مراحل کمال را طی کرده و به سوی کمال مطلق گام برمیدارد.<sup>۳</sup>

انسانی که در دانشگاه در حال تدریس است، یا در حال یادگیری، انسانی که به کشت و زرع مشغول است، همه در حال عبادتند.

و البته واضح است که عبادت به معنای خاص، دارای مناسک و شرایط ویژه ای می باشد.

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۴</sup>

"بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.»"

بنابر آیه فوق، رفتارها و گفتارهای خاصی که در اسلام به عنوان نماز و دعا و نیایش برشمرده شده اند نیز، نشان و جلوه ای خاص از بندگی و عبادت به درگاه خداوند است. عبادت از جمله اهداف نظری خلقت انسان است.

<sup>۱</sup> سید علی اکبر قرشی، 1371، جلد 4، صفحه 279.

<sup>۲</sup> محمدتقی جعفری، بی تا، صفحه 145.

<sup>۳</sup> عبدا... نصری، 1390، صفحه 87.

<sup>۴</sup> انعام، آیه 162.

## 2-2- آزمون و امتحان از جهت نیکوکار بودن

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ<sup>1</sup>

"همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده."  
وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِن قُلْتِ إِنَّكُمْ مَعْبُوثُونَ مِّن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ<sup>2</sup>  
"و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید! و اگر بگویید: «شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد» قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت: «این [ادعا] جز سحری آشکار نیست.»"

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا<sup>3</sup>

"در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند."  
با توجه به آیات فوق، مشخص می شود که یکی دیگر از اهداف آفرینش انسان، امتحان او و انسان های پیروز از این امتحان، یعنی انسان های نیکوکار است.

در پی آفرینش موجودی که دارای استعداد کسب کمالات است، به انسان می فهماند که در زندگی دنیا همیشه در بوته ابتلا و آزمون قرار دارد. که نه تنها خلقت خودش، بلکه خلقت همه جهان آفرینش برای آزمون او بوده است.

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ<sup>4</sup>

"اصلاً برای آزمون آفریدیم، مگر می شود دست از هدفمان برداریم؟"

انسان با انجام عمل نیکوتر، خود را به غایت و کمال نزدیک تر می کند. و این نیکی عمل بخاطر در جهت بودن با هدف است. چنانکه علامه طباطبایی (ره) می فرماید: صلاح و حسن عمل اگر مطلوب است برای خودش مطلوب نیست، بلکه بدین جهت مطلب است که در به هدف رسیدن موجودی دیگر دخالت دارد.<sup>5</sup>

همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، انسان مختار است و بر سر دو راهی که قرار می گیرد، توانایی انتخاب دارد، در آزمون های الهی، با توجه به اینکه شرایط انتخاب درست یا غلط را دارد، می تواند با انتخاب راه درست استعدادهای خود را به فعلیت برساند و مراتب کمال را ببیند. هر قدمی که در کسب نیکی ها بردارد، او را به هدف نزدیک تر کرده است.

## 2-3- خلافت الهی

از دیگر موارد هدف خلقت انسان، خلافت و جانشینی خدا بر زمین است.

1. ملک، آیه 2.

2. هود، آیه 7.

3. کهف، آیه 7.

4. عنکبوت، آیه 3.

5. محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 19، صفحه 587.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ ...<sup>1</sup>

"اوست خدایی که شما را جانشینان روی زمین قرار داد...". اما منظور از خلیفه چیست؟

علامه طباطبایی چنین می فرماید: خلیفه قرار دادن تنها به این منظور است که آن خلیفه و جانشین، با تسبیح حمد تقدیس زبانی، و وجودیش، نمایشگر خدا باشد و از جهت دیگر این خلیفه نمایشگر صفات خداییست.<sup>2</sup>

انسان با داشتن پرتویی از صفات الهی و توانایی به فعلیت رساندن آن ها، به بالاترین کمال نایل می شود. از طرف دیگر طبق آیه وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ که هدف از خلقت عبادت نامیده شده است، می توان گفت که چون عالیترین و کاملترین مرتبه عبادت از پیامبر و امام صادر می شود، در نتیجه پیامبر و امام هدف خلقت به شمار می روند.

پس زمانیکه گفته می شود، هدف از خلقت رسیدن به کمال است، منظور همان مقام خلیفه الهی است. از آنجا که کامل ترین انسان ها، پیامبر و امام هستند، چرا که به فعلیت کامل رسیده اند، پس مقام خلیفه اله بودن بر روی زمین به نحو احسن، شایسته ایشان می باشد.

## 2-4- رسیدن به رحمت الهی

یکی دیگر از موارد هدف آفرینش انسان، رسیدن به رحمت الهی است.

وَأَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ - إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأُمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ<sup>3</sup>

"و اگر پروردگار تو می خواست مردم را یک امت می کرد، پیوسته مختلف خواهند بود مگر کسانی که پروردگار تو، به آنها رحمت کند و (انسانها) برای رحمت آفریده شده اند." " بنابر معنی آیه فوق، می توان گفت که انسان ها برای رحمت آفریده شده اند. حال این سوال مطرح می شود که منظور از رحمت چیست؟

علامه طباطبایی (ره) می فرماید: منظور از رحمت، هدایت الهی است.<sup>4</sup> که این رحمت الهی، شامل همه انسان ها می شود تا زمانیکه غایت و سرانجامشان به سعادت نهایی منجر شود.

به بیان دیگر رحمت عبارت است از هدایت تکوینی و تشریحی که موجب رشد و کمال انسان ها می شود.<sup>5</sup> دقیقاً شبیه عبادت، که در آیه 56 سوره ذاریات " و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون " یکی از اهداف خلقت ذکر شد، عبادت و رحمت متصل به سعادت آدمی هستند.

<sup>1</sup>. انعام، آیه 165 .

<sup>2</sup> محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 1، صفحه 179.

<sup>3</sup>. هود، آیات 119 و 118.

<sup>4</sup> محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 11، صفحه 84.

<sup>5</sup> عبدا... نصری، 1390، صفحه 88.

## 2-5- شناخت صفات خداوند

از دیگر مواردی که به عنوان هدف خلقت انسان، در قرآن به آن اشاره شده است، شناخت صفات خداوند می باشد.  
اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا<sup>1</sup>

"خداوند کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز نظیر آن را آفرید. فرمان الهی در میان آنها نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و به همه موجودات احاطه علمی دارد."  
بنابر این آیه شناخت خدا هدف آفرینش بیان شده است. اما باید در نظر داشت که این شناخت هدف نظری خلقت انسان است.

در این آیه خلقت و امر به خدای تعالی نسبت داده شده و مخصوص آن جناب شده است و همین طور هم هست. چون هیچ متفکری که در مسئله خلقت غور کند، در این معنا شکی برایش باقی نمی ماند که قدرت خدای تعالی شامل هر چیز و علمش محیط به هر است.<sup>2</sup>

## 2-6- سیر بسوی خدا

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ<sup>3</sup>.  
"(همان) کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم."  
وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ<sup>4</sup>  
"و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی خداست."  
لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ<sup>5</sup>  
"فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن اوست و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می شود."  
صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ<sup>6</sup>  
"راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست هشدار که [همه] کارها به خدا بازمی گردد."  
در آیات فوق حرکت و رشد انسان در مسیری است که به رسیدن به خدا منتهی می شود. در این مسیر هرچه بر مراتب وجودی افزوده شود و انسان مراتب بیشتری از کمال را ببیند، به خدا نزدیک تر خواهد شد.

## 2-7- قرب الهی

مهم ترین و بالاترین مقامی که انسان به آن می رسد، مقامی است که از آن به قرب الهی، لقاء...، جنب... و عند... یاد می شود.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ<sup>1</sup>

<sup>1</sup>. طلاق، آیه 12.

<sup>2</sup>. محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 19، صفحه 549.

<sup>3</sup>. بقره، آیه 156.

<sup>4</sup>. نور، آیه 42.

<sup>5</sup>. حدید، آیه 5.

<sup>6</sup>. شوری، آیه 53.

"ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است."

واضح است که انسان با انجام شایسته، هر گامی که در مسیر سعادت برمی دارد، در جهت تقویت ابعاد وجودی اش است تا جایی که بتواند مظهر اسما و صفات الهی شود. هرچقدر در مسیر کمال رشد یابد، مراتب تقرب بیشتری را پیموده است. اما مراد از این تقرب، دریافتن نیاز و ربط به خالق است.

این درک، درک حصولی نیست چرا که درک حصولی را به کمک براهین فلسفه می توان بدست آورد و علاوه بر این، درک حصولی درکی محدود و ناقص است که نمی تواند هدف نهایی قرار گیرد.

بلکه مراد درک حضوری و شهود عرفانی است. یعنی انسان به آن مقامی دست یابد که به جز خدا به چیزی توجه نداشته باشد؛ وجود او عین خلوص شده و هیچ عملی از او جز برای رضای خدا، سر نزنند.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.<sup>۲</sup>  
"ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است."

در آیه فوق مزیتی که خدا برای انسان مشخص میکند تا از طریق آن به سعادت برسد تقواست. سعادت که در گروی آن علاوه بر سعادت اخروی، سعادت دنیوی هم تامین می شود. این تقوا نیز به نوعی همان عبودیت است که همانطور که گذشت از اهداف خلقت می باشد.

در این آیه، تقوا و اطاعت را خلاصه نموده و از آن تعبیر به پرستش کرده و تنها منظورش از این تعبیر این بوده که ارتباط مسئله تقوا و اطاعت از خدا را روشن سازد،..... و بعد از روشن ساختن این ارتباط فرموده: این عبادت تنها صراط مستقیم است و با این جمله فهماند راه عبادت، کوتاهترین راهی است که سالکش را بسوی خدای سبحان می برد و به حق تعالی منتهی می سازد.<sup>۳</sup>

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ<sup>۴</sup>

"کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که] [ا ج ل] [او از سوی] خدا آمدنی است و وست‌شنوای دانا"

از دیگر مواردی که هدف خلقت انسان ذکر شده است، لقاء... است. مراد از لقاء... در این آیه، قرار گرفتن بنده است در موقعی که دیگر بین او و بین پروردگارش حجابی نباشد. ... و بعضی دیگر گفته اند: مراد از آن رسیدن به عاقبت زندگی و دیدار ملک الموت، و حساب و جزا است.<sup>۵</sup>

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ<sup>۶</sup>

"ای انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد."

۱. فاطر، آیه 15.

۲. عبدا... نصری، 1390، صفحه 95.

۳. حجرات، آیه 13.

۴. محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 3، صفحه 322.

۵. عنکبوت، آیه 5.

۶. محمدحسین طباطبایی، 1387، جلد 16، صفحه 152.

۷. انشقاق، آیه 6.

بنا بر آیه فوق، هدف نهایی این سیر، خدای عز و جل می باشد. در مسیری که انسان تلاش می کند تا به سعادت نایل شود، سعادت نهایی خداوند است. اما رسیدن به این سعادت تنها از طریق علم حصولی حاصل نمی شود. در مواردی که لقاء... به عنوان کمال حقیقی انسان ذکر می شود، منظور علم حضوری و شهودی نسبت به پروردگار است.<sup>1</sup>

با نگاهی به تمام موجودات در می یابیم که هر موجودی باید مراحل را طی کند تا به کمال نهایی خود برسد. هر موجودی در حال حرکت است و از هر مرحله ای که عبور میکند، در مرحله جدید نسبت به مرحله قبل به فعلیت رسیده است. انسان که کاملترین آفریده است نیز از این امر استثنا نمی باشد و با طی مراحل بسوی هدف نهایی که همان قرب الهی است، گام بر می دارد.

## نتیجه گیری

با دقت در آیات و مطالب ذکر شده، روشن می شود که هیچ کدام از اهداف با دیگر در تضاد و دوگانگی نیست، بلکه برخی از آن ها را می توان جزو اهداف مقدماتی، برخی جزو اهداف متوسط و برخی دیگر جزو اهداف نهایی و نتیجه تقسیم بندی کرد. چرا که هر کدام در کنار دیگری و مکمل دیگری نیز محسوب می شوند. پس می توان گفت اهدافی چون مساله "علم و دانش" و "امتحان و آزمایش"، اهداف مقدماتی هستند. "عبودیت" هدف متوسط است که به هدف نهایی که همان "قرب الهی" است منتهی می شوند. پس هدف نهایی همان "قرب الهی" است. از جهتی دیگر می توان این اهداف را به اهداف نظری و عملی نیز تقسیم کرد. و کمال حقیقی و نهایی انسان در جمع میان این دو است. یعنی قرب الهی. کسی که به قرب الهی نایل می شود هم از کمال عملی و هم نظری بهره برده است. و چنین کسی از مقربین محسوب می شود. قرار گرفتن در ردیف مقربان نیز شمول رحمت الهی را دارد. بنابراین براساس آیات قرآنی هدف آفرینش انسان، تجلی رحمت الهی و قرار دادن انسان در جهت کمال و سعادت پایدار و جاودان است که با گزینش اختیاری راه برتر و پیمودن طریق بندگی و عبودیت پروردگار به دست می آید.

## مراجع

- [1] قرآن مجید
- [2] جعفری، محمدتقی (بی تا): آفرینش و انسان، چاپ سوم، تهران: انتشارات ولیعصر.

---

<sup>1</sup>. احمد واعظی، 1391، صفحه 171.

- [3] طباطبایی، سید محمدحسین(1387): ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات الجماعه المدرسین بقم المشرفه،موسسه النشر الاسلامی.
- [4] قرشی، سیدعلی اکبر(1371): قاموس قرآن، جلد4، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [5] مصباح یزدی، محمدتقی(1367): معارف قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات در راه حق.
- [6] نصری، عبدا... (1390): فلسفه خلقت انسان، چاپ ششم، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- [7] نفیسی، علی اکبر(بی تا): فرهنگ نفیسی، جلد4، تهران: کتابفروشی خیام.
- [8] واعظی، احمد(1391): انسان از دیدگاه اسلام، چاپ سیزدهم، تهران: سمت.